

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Role of Women in the Emergence of Moral Deviations and Strategies for Confronting Them (With Reference to Surah An-Nur)

Azam Abolfathi¹, Seyyed Hamid Hosseini^{1*}, Hadi Shafiei Nategh¹

1. Department of Theology and Islamic Studies, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran

* Corresponding Author's Email: dr.hoseini@iau.ac.ir

ABSTRACT

This study aims to elucidate the perspective of the Holy Qur'an regarding the moral integrity of society and to extract strategies for confronting moral deviations through a content analysis of The Quran, particularly Surah An-Nur. The research method is qualitative content analysis based on a thematic exegesis approach. The findings indicate that Surah An-Nur presents a systematic, balanced, and comprehensive framework grounded in several key principles. First, it emphasizes the equal and shared responsibility of both women and men in preserving the moral boundaries of the individual and society, as reflected in the parallel commands of verses 30 and 31 and in legal rulings such as the punishment for false accusation (qadhf). Second, it offers multi-level strategies across three domains: the individual domain (self-purification, control of gaze and speech), the familial domain (promotion of accessible marriage, religious upbringing, and parental supervision), and the social domain (enjoining good and forbidding evil, equitable legislation, and cultural promotion of respect for privacy). Third, it prioritizes preventive strategies—through regulating visual conduct, facilitating marriage, and observing social etiquette—over purely punitive measures. Fourth, it portrays women as active and constructive agents serving as models of chastity, central figures in family-based moral education, and participants in fostering a healthy social environment. The final conclusion demonstrates that, from the Qur'anic perspective, moral integrity is a collective phenomenon arising from the responsible interaction of all social institutions, in which the establishment of "moral security" is pursued through education, the creation of a healthy environment, and just legislation, rather than by imposing responsibility upon a single gender. This study provides a framework for cultural policymaking and for responding to contemporary misconceptions.

Keywords: *Holy Qur'an, Surah An-Nur, social ethics, moral integrity, shared responsibility, Qur'anic strategies, prevention.*

How to cite: Abolfathi, A., Hosseini, S. H., & Shafiei Nategh, H. (2027). The Role of Women in the Emergence of Moral Deviations and Strategies for Confronting Them (With Reference to Surah An-Nur). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(2), 1-15.



تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۸ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

نقش زنان در پیدایش انحرافات اخلاقی و راهکارهای مقابله با آن (با توجه به سوره نور)

اعظم ابوالفتحی^۱، سیدحمید حسینی^{۲*}، هادی شفیعی ناطق^۱

۱. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: dr.hoseini@iau.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین دیدگاه قرآن کریم درباره سلامت اخلاقی جامعه و استخراج راهکارهای مقابله با انحرافات، به تحلیل محتوای سوره نور می‌پردازد. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تفسیر موضوعی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سوره نور با ارائه‌ای نظام‌مند، رویکردی متوازن و جامع دارد که مبتنی بر چند اصل کلیدی است: نخست، تأکید بر مسئولیت مشترک و یکسان زن و مرد در حفظ حریم اخلاقی فرد و جامعه، که در خطاب‌های موازی آیات ۳۰ و ۳۱ و قوانینی مانند حد قذف تجلی یافته است. دوم، ارائه راهکارهای چندسطحی در سه عرصه فردی (تهذیب نفس، کنترل نگاه و زبان)، خانوادگی (ترویج ازدواج آسان، تربیت دینی و نظارت والدین) و اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر، قوانین عادلانه و فرهنگ‌سازی برای رعایت حریم خصوصی). سوم، اولویت‌دادن به راهبرد پیشگیری (از طریق مدیریت نگاه، تسهیل ازدواج و آداب معاشرت) بر برخوردهای صرفاً کیفری. چهارم، ترسیم نقش فعال و سازنده زنان به عنوان الگوی عفت، محور تربیت در کانون خانواده و مشارکت‌کننده در سالم‌سازی فضای اجتماعی. نتیجه‌گیری نهایی حاکی از آن است که سلامت اخلاقی از منظر قرآن، پدیده‌ای جمعی و حاصل تعامل مسئولانه تمام نهادهای جامعه است که در آن، تأمین «امنیت اخلاقی» با تکیه بر تربیت، ایجاد محیط سالم و قانون‌گذاری عادلانه و نه تحمیل بار مسئولیت بر یک جنس خاص، دنبال می‌شود. این پژوهش الگویی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و پاسخ به شبهات معاصر ارائه می‌دهد.

کلیدواژگان: قرآن کریم، سوره نور، اخلاق اجتماعی، سلامت اخلاقی، مسئولیت مشترک، راهکارهای قرآنی، پیشگیری.

نحوه استناددهی: ابوالفتحی، اعظم، حسینی، سیدحمید، و شفیعی ناطق، هادی. (۱۴۰۶). نقش زنان در پیدایش انحرافات اخلاقی و راهکارهای مقابله با آن (با توجه به سوره نور). دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۵(۲)، ۱-۱۵.

مقابله با انحرافات، با تأکید بر مسئولیت مشترک تمام اعضای جامعه استخراج نماید (Makarem Shirazi, 1995).

امروزه نقش مؤثر زنان در مقابله با تهاجم انحرافات اجتماعی و اخلاقی بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا زنان در فرهنگ‌سازی بیشترین نقش را دارند و همین نقش مؤثر و کلیدی، موجب شد که نوک تیز حمله دشمن در جهانی‌شدن و استحاله فرهنگی متوجه زنان جامعه گردد. آنان به‌خوبی دریافته‌اند که اگر موفق به تغییر فرهنگ زنان یک قوم گردند، می‌توانند تمامیت فرهنگ آن جامعه را متأثر کرده و تغییر دهند. از این رو، دشمن تمامی تلاش خود را مصروف تغییر فرهنگ زنان جامعه ما نمود و بر همگان روشن است همان‌طور که زنان قادر به سازندگی فرهنگ خانواده و جامعه می‌باشند، به همان نسبت توان تخریب فرهنگ جامعه را دارند و طبیعی است که زنان جامعه از عمده‌ترین و تأثیرگذارترین عناصر مقابله با تهاجمات فرهنگی می‌باشند (Javadi Amoli, 1999). در این مقاله سعی بر این است که بیشتر به عواملی که موجب تضعیف نقش تربیتی زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی می‌شود، که از جمله مهم‌ترین آنان حجاب است، با تکیه بر آیات قرآن (Qaraati, 2004) پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

بررسی مطالعات پیشین در حوزه اخلاق اسلامی

مطالعه و پژوهش در حوزه اخلاق اسلامی، به‌ویژه با تکیه بر منابع نقلی، سابقه‌ای دیرینه دارد. این پیشینه را می‌توان در چند محور عمده دسته‌بندی و بررسی نمود:

۱. مطالعات تفسیری و فقهی کلاسیک: بخش عمده‌ای از پیشینه این موضوع، در تفاسیر قرآن کریم و کتب فقهی نهفته است. مفسرانی مانند طبری، فخر رازی، طبرسی و علامه طباطبایی در ذیل آیات سوره نور، به‌ویژه آیات ۳۱-۳۰ مربوط به حجاب و نگاه، آیات مربوط به حد قذف و زنا، به تفصیل به مبانی، فلسفه و احکام اخلاق اجتماعی پرداخته‌اند. این آثار عمدتاً بر استنباط حکم

جهان معاصر با تحولات گسترده در عرصه‌های تکنولوژیک، ارتباطی و فرهنگی مواجه است که دامنه‌ی تأثیرات آن به حوزه‌ی اخلاق و ارزش‌های اجتماعی نیز کشیده شده است. این تحولات، اگرچه دستاوردهای قابل توجهی در تسهیل زندگی و گسترش ارتباطات به همراه داشته، اما در کنار خود چالش‌ها و بحران‌های اخلاقی نوظهور و پیچیده‌ای را نیز ایجاد کرده است. جوامع امروزی، اعم از غربی و شرقی، با پدیده‌هایی چون نسبی‌گرایی اخلاقی، فردگرایی افراطی، بحران هویت، فروپاشی نهاد خانواده، گسترش بی‌سابقه‌ی محتوای غیراخلاقی از طریق فضای مجازی، و تضعیف مرزهای حریم خصوصی روبه‌رو هستند. این شرایط، «سلامت اخلاقی» جامعه را به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین ثبات، انسجام و پویایی اجتماعی با تهدیدات جدی مواجه ساخته است. از سوی دیگر، رویکردهای سکولار و مادی‌گرایانه در مواجهه با این چالش‌ها، عمدتاً بر قوانین موضوعه و راهکارهای سزاگرایانه تکیه دارند و اغلب از پرداختن به ریشه‌ها و جنبه‌های پیشگیرانه و تربیتی غفلت می‌ورزند. این امر لزوم بازگشت و واکاوی میراث غنی ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، را به‌عنوان نظام‌هایی جامع که دارای طرحی منسجم برای تربیت فرد و جامعه هستند، بیش از پیش نمایان می‌سازد. در این میان، قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، با ارائه‌ی آموزه‌هایی جهان‌شمول و پایدار، نقشه‌ی راهی برای مواجهه‌ی فعال و هوشمندانه با این چالش‌ها ترسیم می‌کند. سوره‌ی نور، به‌طور خاص، با تمرکز بر محوریت «پاکی» و «عفت» در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی، و ارائه‌ی دستورالعمل‌هایی دقیق و کاربردی، چارچوبی منحصربه‌فرد برای تأمین «امنیت اخلاقی» جامعه ارائه می‌دهد. از این رو، این پژوهش بر آن است تا با تحلیل محتوای این سوره، الگویی نظام‌مند و متوازن برای فهم عوامل مؤثر بر سلامت اخلاقی و راهکارهای

پژوهش‌ها دچار دوگانگی روشی، تلفیق ناسازگار روش‌های کمی با مبانی دینی، بوده یا نتوانسته‌اند از چارچوب‌های کلیشه‌ای فراتر روند (Hashemi Rakavandi, 2000; Khosroshahi, 2010).

۴. پژوهش‌های تطبیقی و پاسخ به چالش‌های جهانی: موج دیگری از مطالعات، به مقایسه نظام اخلاقی اسلام با دیگر مکاتب، لیبرالیسم و فمینیسم رادیکال، یا بررسی چالش‌های نوظهور مانند «اخلاق در فضای مجازی» از منظر اسلامی پرداخته‌اند. در این تحقیقات، گاه به سوره نور به‌عنوان منبعی برای استخراج اصول بنیادین برای مواجهه با مسائلی مانند «حفظ حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی» یا «کنترل نگاه در عصر تصویر» استناد شده است. این دسته از مطالعات نشان‌دهنده پویایی فقه و اخلاق اسلامی در مواجهه با مسائل مستحدثه است (Becker, 1999).

خلاً پژوهشی و تمایز تحقیق حاضر: با وجود غنای مطالعات پیشین، خلأهای قابل توجهی به چشم می‌خورد:

- اکثر تحقیقات، یا صرفاً تفسیری-فقهی هستند یا صرفاً جامعه‌شناختی، و کمتر پژوهشی به تلفیق عمیق این دو رویکرد در قالب یک مدل تحلیلی یکپارچه دست یافته است.

- تمرکز بسیاری از پژوهش‌ها بر حکم فردی یا نقش یک جنس، عمدتاً زنان، بوده و نقش مشترک، متقابل و نظام‌مند همه ارکان جامعه، مردان، زنان، نهاد خانواده و حاکمیت، در ایجاد سلامت اخلاقی، آن‌گونه که سوره نور به آن تأکید دارد، کمتر مورد تحلیل جامع قرار گرفته است.

- تبیین «نظام اخلاق اجتماعی» در سوره نور به‌صورت یک هندسه به‌هم‌پیوسته متشکل از مبانی، اصول، روش‌های پیشگیرانه، فردی، خانوادگی، اجتماعی، و مقررات اصلاحی، کمتر محور یک پژوهش مستقل بوده است.

این پژوهش در پی پر کردن بخشی از این خلأ است. هدف آن، ارائه تحلیلی جامع‌نگر، نظام‌مند و جامعه‌شناختی-دینی از سوره

فردی، تبیین مفردات آیات و بیان روایات مرتبط متمرکز بوده‌اند. همچنین، کتب فقهی با ذکر «کتاب الحدود» و «کتاب النکاح»، جنبه‌های حقوقی و جزایی رعایت حریم اخلاقی را با استناد به سوره نور مورد کنکاش قرار داده‌اند. نقطه قوت این منابع، استناد عمیق به نص و سیره است، اما اغلب کمتر به تحلیل جامعه‌شناختی و کاربست نظام‌مند این دستورات در ساختار پیچیده جوامع معاصر پرداخته‌اند (Tabarsi, 1993; Tusi, 2008).

۲. پژوهش‌های معاصر با رویکرد موضوعی و تربیتی: در دوران معاصر، پژوهش‌های دانشگاهی و حوزوی بیشتری با نگاهی نظام‌مند به اخلاق اسلامی صورت گرفته است. برخی از این مطالعات، مفاهیم کلیدی سوره نور مانند «عفت»، «حیا»، «نگاه» و «حریم خصوصی» را به‌صورت مستقل و در قالب کتاب یا مقاله مورد تحلیل مفهومی و تربیتی قرار داده‌اند. برای مثال، آثار منتشرشده حول مفهوم «حیا» به‌عنوان یک ملکه نفسانی و کارکردهای اجتماعی آن، یا مطالعاتی که به تبیین «فلسفه حجاب» از منظر قرآن می‌پردازند، در این دسته جای می‌گیرند. این تحقیقات گامی فراتر از تفسیر صرف گذاشته و به پیامدهای روان‌شناختی و تربیتی مفاهیم توجه نشان داده‌اند (Motahari, 1995; Naraqi, 1993).

۳. مطالعات با رویکرد جامعه‌شناختی و زن‌پژوهی: در سال‌های اخیر، شماری از پژوهش‌ها کوشیده‌اند تا دستورات اخلاقی اسلام، از جمله آموزه‌های سوره نور، را در چارچوب علوم اجتماعی جدید بررسی کنند. برخی از این مطالعات به بررسی نقش زنان در جامعه اسلامی با محوریت مفاهیم قرآنی پرداخته و کوشیده‌اند از موضعی دفاعی یا تبیینی، این نقش را در برابر نقدهای فمینیستی غربی تحلیل کنند. تحقیقات دیگری نیز رابطه بین رعایت اخلاق جنسی و سلامت جامعه، کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، کودک‌آزاری و بیماری‌های روانی، را با روش‌های پیمایشی یا تحلیلی مورد توجه قرار داده‌اند. با این حال، برخی از این

0 سطح اجتماعی: واکاوی نقش حکومت و جامعه در ایجاد بسترهای قانونی، فرهنگی و اقتصادی، مانند تسهیل ازدواج، اجرای حدود، گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، برای حفاظت از حریم عمومی اخلاق (Tusi, 1995; Motahari, 2008).

ارائه خوانشی کارکردگرا و عقلانی: تبیین حکمت‌ها و پیامدهای مثبت اجتماعی رعایت دستورات سوره نور، فراتر از یک امر تکلیفی صرف. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه این دستورات در جهت تأمین امنیت روانی و اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، استحکام نهاد خانواده و نهایتاً توسعه سلامت و تعالی جامعه طراحی شده‌اند (Naraq, 1995; Makarem Shirazi, 1993).

تصحیح خوانش‌های تقلیل‌گرا و کلیشه‌ای: پاسخ به برداشت‌های یک‌سویه و غیرمنصفانه‌ای که با تمرکز صرف بر بخشی از آیات، مسئولیت اصلی را بر یک گروه تحمیل می‌کنند. این تحقیق با ارائه تحلیلی کل‌نگر از تمامی آیات سوره نور در کنار یکدیگر، درصدد است تا تصویر واقعی و عادلانه اسلام را از مشارکت همگانی در ساختن جامعه‌ای فضیلت‌محور آشکار سازد (Bagheri, 2006).

در نهایت، این پژوهش به دنبال ارائه الگویی عملیاتی و مبتنی بر متن دینی است که بتواند هم به‌عنوان چارچوبی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در جوامع اسلامی مورد توجه قرار گیرد، و هم پاسخی مستدل و قرآنی به شبهات و چالش‌های معطوف به اخلاق جنسی و اجتماعی در دنیای معاصر ارائه دهد. دستیابی به این اهداف، از طریق تحلیل محتوای کیفی آیات سوره نور با روش تفسیر موضوعی و استخراج مفاهیم و گزاره‌های کلیدی آن میسر خواهد شد.

نور است که در آن، سلامت اخلاقی به‌عنوان یک مسئولیت جمعی و راهکارهای مقابله با انحرافات، در قالب یک الگوی چندسطحی و تعاملی تبیین گردد. این تحقیق با عبور از نگاه تک‌سویه و دفاعی صرف، درصدد است تا کارکردهای عقلانی و اجتماعی دستورات این سوره را در ایجاد جامعه‌ای امن، باکرامت و پایدار نشان دهد.

تبیین دیدگاه متوازن قرآن درباره مسئولیت اخلاقی

هدف اصلی این پژوهش، استخراج و تبیین الگوی متوازن و جامع مسئولیت اخلاقی از منظر قرآن کریم با تمرکز بر سوره نور است. این هدف، خود در قالب چندین هدف فرعی و مشخص دنبال می‌شود:

کشف نظام مسئولیت‌پذیری مشترک: نشان دادن این واقعیت که قرآن کریم، به‌ویژه در سوره نور، بار مسئولیت سلامت اخلاقی جامعه را نه بر دوش یک جنس یا یک گروه خاص، که به‌صورت مشترک و متقابل بر عهده تمامی ارکان جامعه، اعم از زن و مرد، فرد و خانواده، حاکمیت و مردم، می‌گذارد. این پژوهش در پی اثبات آن است که رویکرد قرآن، مبتنی بر «تکلیف‌گرایی متوازن» و «پاسخگویی جمعی» است (Javadi Amoli, 1999; Qaraati, 2004).

تدوین چارچوب راهبردی چندسطحی: استخراج و تنظیم راهکارهای عملی و مرتبط قرآن در سوره نور برای پیشگیری و مقابله با انحرافات اخلاقی در سه سطح کلان:

0 سطح فردی: تبیین مسئولیت‌های اخلاقی شخصی هر فرد، مثل کنترل نگاه، حفظ زبان و عفاف در رفتار، فارغ از جنسیت (Kulayni, 1984; Tamimi Amadi, 1989).

0 سطح خانوادگی: تحلیل نقش محوری نهاد خانواده به‌عنوان «کارگاه تربیت اخلاقی» و مسئولیت‌های والدین و همسران در ایجاد محیطی امن و پایدار (Ibn Babawayh, 1992; Tamimi Amadi, 1989).

مبانی نظری

مفهوم اخلاق در قرآن کریم

اخلاق در قرآن کریم، صرفاً به معنای مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای فردی یا آیین‌نامه‌ای برای کنترل رفتار نیست، بلکه نظامی یکپارچه و مبتنی بر «تقوا» است که از باور قلبی، ایمان، سرچشمه می‌گیرد و در تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تجلی می‌یابد. قرآن، ساحت اخلاق را از محدوده روابط شخصی فراتر برده و آن را به مسئله‌ای عمومی و مرتبط با «صلاح» و «فساد» جامعه گره می‌زند. در این نگاه، فضایل اخلاقی مانند عفت، صداقت، عدالت و احسان، هم مایه کمال فرد هستند و هم شرط ضروری برای ایجاد جامعه‌ای سالم، منسجم و امن. مفاهیمی مانند «معروف» و «منکر» که بارها در قرآن تکرار شده‌اند، بر همین بعد اجتماعی و جمعی اخلاق تأکید دارند. بنابراین، انحراف اخلاقی در قرآن، تنها یک گناه شخصی محسوب نمی‌شود، بلکه عاملی برای «فساد فی الارض» و تهدیدی برای انسجام و سلامت کل جامعه قلمداد می‌گردد (Makarem Shirazi, 1995; Qaraati, 2004).

نگاه جامع‌نگر اسلامی به مسئولیت‌های اجتماعی

اسلام با ارائه الگویی چندسطحی و مبتنی بر مسئولیت‌پذیری زنجیره‌ای، تکلیف حراست از سلامت اخلاقی جامعه را به عهده همه نهادها و افراد می‌گذارد. این نگرش را می‌توان در اصل کلیدی «امر به معروف و نهی از منکر» به‌وضوح دید که نه یک انتخاب، که فریضه‌ای همگانی برای همه مسلمانان، با رعایت مراتب و شرایط، تعریف شده است. در این الگو، «خود» مسئول رعایت حدود الهی است، «خانواده»، با محوریت والدین، مسئول نظارت و تربیت است، «حاکمیت اسلامی» مسئول ایجاد بسترهای قانونی، اقتصادی و فرهنگی برای تسهیل فضایل و مبارزه با رذایل است، و «جامعه» به‌عنوان یک کل، با ایجاد فرهنگ عمومی و کنترل اجتماعی غیررسمی، نقش ایفا می‌کند. این نگاه، از هرگونه

تقلیل‌گرایی که مسئولیت را تنها بر دوش یک نهاد یا جنس خاص می‌گذارد، پرهیز می‌کند و موفقیت در ایجاد محیط اخلاقی را منوط به همکاری و تعامل تمام این سطوح می‌داند (Majlisi, 1983; Shubbar, 1999).

جایگاه زن و مرد در نظام اخلاقی اسلام

نظام اخلاقی اسلام، مبتنی بر تساوی در کرامت انسانی، تکلیف‌پذیری و پاداش اخروی است. آیات متعددی همچون آیه ۳۵ سوره احزاب، «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ...»، به صراحت بر برابری زن و مرد در امکان کسب فضایل اخلاقی بزرگ، مانند قنوت، صدق، صبر، خشوع، صدقه، روزه، عفت و ذکر خدا، تأکید می‌کنند. تفاوت‌های بیولوژیک و نقش‌های طبیعی و اجتماعی متفاوت، هرگز به معنای برتری اخلاقی یک جنس یا مسئولیت انحصاری آنان در قبال انحرافات نیست. در سوره نور، خطاب‌های اخلاقی اغلب به‌صورت زوجی و متقابل است: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ... وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ...». دستور کنترل نگاه، حفظ عفت و رعایت حجاب، به شکلی متوازن و با تفاوت‌هایی در مصداق، به هر دو گروه داده شده است. از این منظر، زن و مرد شریکانی هم‌تراز در ساختن فضای اخلاقی جامعه هستند؛ مرد با نگاه‌داری خود و تأمین محیط امن، و زن با مراقبت از خود و ایفای نقش تربیتی در خانواده. هرگونه انحراف، حاصل تخلف از این مسئولیت مشترک است و مقابله با آن نیز مستلزم مشارکت فعال و هماهنگ هر دو جنس می‌باشد (Makarem Shirazi, 1995; Qaraati, 2004).

تحلیل محتوای سوره نور

سوره نور به‌عنوان یک سوره جامعه‌ساز، با ارائه دستورالعمل‌هایی دقیق و مرتبط، چارچوب جامعی برای پیشگیری، کنترل و اصلاح انحرافات اخلاقی ترسیم می‌کند. تحلیل محتوای آن، الگویی متوازن و چندبعدی را آشکار می‌سازد.

۱-۴ آیات مربوط به عفاف و حجاب، آیات ۳۰-۳۱: تکلیف مشترک زن و مرد

فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کنند (Naraqi, 1993; Qaraati, 2004).

آیات مربوط به حفظ حریم خانواده، آیه ۳۲: تشویق به ازدواج آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ...» یک راهکار بنیادین و پیشگیرانه ارائه می‌دهد. قرآن به جای تمرکز صرف بر مجازات انحراف، به ریشه‌یابی می‌پردازد و ازدواج را به‌عنوان راهکار اصلی جهت پاسخگویی به نیازهای غریزی در چارچوبی مشروع، امن و پایدار ترویج می‌کند. این امر، مسئولیت جامعه، دولت و افراد متمکن، را در فراهم‌آوری مقدمات ازدواج، از طریق کمک مالی، فرهنگ‌سازی و تسهیل قوانین، گوشزد می‌کند. خانواده‌ای که بر این اساس تشکیل شود، خود به‌عنوان اصلی‌ترین «پادگان مبارزه با انحرافات» عمل خواهد کرد (Makarem Shirazi, 1995; Qaraati, 2004).

آیات مربوط به برخورد با جرایم اخلاقی، آیات ۴-۹: قوانین عادلانه برای زن و مرد

این آیات در مورد «قذف»، تهمت ناروای زنا، و «لیان»، سوگندهای ترافعی میان زوجین، صادر شده‌اند و نمونه‌ای بارز از عدالت و توازن قرآنی هستند:

- مجازات یکسان برای قاذف و مقذوف، آیه ۴: برای کسی که به مردان و زنان پاکدامن تهمت بزنند، مجازات یکسان، ۸۰ ضربه شلاق، تعیین شده است. این مساوات در مجازات، نشان‌دهنده حفظ کرامت و حریم یکسان هر دو جنس در نزد خدا و قانون است.

- حقوق برابر در فرآیند دادرسی، آیات ۶-۹: در مورد «لیان»، فرصت دفاع و سوگند به‌صورت کاملاً متقارن هم به شوهر و هم به زن داده می‌شود. این آیات نشان می‌دهند که نظام قضایی اسلام در پی احقاق حق و دفع ظلم از هر دو طرف است و از یک‌جانبه‌نگری پرهیز می‌کند (Qaraati, 2004; Tusi, 2008).

این آیات به صراحت مسئولیت را بین مردان و زنان تقسیم می‌کند:

- خطاب به مردان، آیه ۳۰: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...». دستور به «غض بصر»، کاهش نگاه، و «حفظ فرج»، نگهداری از اندام جنسی، ابتدا به مردان داده می‌شود. این تقدم، نشان‌دهنده شروع اصلاح از خود فرد و نفی نگاه مالکانه و ابزارری مرد به زن در جامعه جاهلی است.

- خطاب به زنان، آیه ۳۱: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...». عین همان دو فرمان، غض بصر و حفظ فرج، با همین صراحت به زنان نیز ابلاغ می‌شود. این نشان می‌دهد مسئولیت رعایت حریم و عفت، مطلقاً جنسیتی نیست. تفاوت در جزئیات حجاب پوشش، ذکر «خمر»/روسری‌ها، به دلیل تفاوت در ذات جاذبه جنسی و نیز شرایط اجتماعی عصر نزول است، اما اصل تکلیف، مشترک است. این آیات بر ایجاد یک فضای عمومی محترم و ایمن توسط مشارکت همه تأکید دارد (Qaraati, 1993; Tabarsi, 2004).

آیات مربوط به کنترل نگاه: مسئولیت دو جانبه

همان‌طور که در بالا مشهود است، فرمان «غض بصر» به‌صورت متقارن به هر دو گروه خطاب شده است. این امر چند پیام کلیدی دارد:

- نگاه، دروازه رفتار: کنترل نگاه به‌عنوان اولین و مؤثرترین گام در پیشگیری از انحراف و حفظ عفت فردی و اجتماعی معرفی می‌شود.

- مسئولیتی متقابل: هر دو جنس موظف هستند در تعاملات اجتماعی، نگاه خود را مدیریت کنند. این تکلیف، مرد را از نگاه‌های تهاجمی و زن را از نگاه‌های تحریک‌آمیز بازمی‌دارد و بار مسئولیت را از دوش یک طرف برمی‌دارد.

- تأمین آرامش روانی: این قانون در واقع به ایجاد امنیت روانی در فضای عمومی می‌انجامد تا افراد بتوانند با فراغ بال بیشتری در

آیات مربوط به آداب معاشرت، آیات ۲۷-۲۹: حفظ حریم خصوصی

این آیات بر رعایت ادب و حریم در تعاملات اجتماعی روزمره تأکید می‌کنند:

- عدم ورود بی‌اجازه به خانه دیگران، آیه ۲۷: این حکم، حریم خانواده را قداست می‌بخشد و از ایجاد موقعیت‌های نامناسب یا سوءتفاهم جلوگیری می‌کند.

- تأکید بر ساده‌گیری در معاشرت، آیه ۲۸ و ۲۹: حتی اگر در خانه کسی، کسی نبود، نباید وارد شد مگر اینکه اجازه بگیرد. این دستور، هم به حفظ اموال و هم به رعایت کلی حریم خصوصی کمک می‌کند.

- نتیجه: این آداب، با ایجاد یک فرهنگ احترام متقابل و مرزهای مشخص، بستر اجتماعی را از بسیاری زمینه‌های احتمالی سوءرفتار یا سوءظن پاک می‌سازد و به پیشگیری غیرمستقیم از انحرافات یاری می‌رساند (Laythi Wasiti, 1997; Qaraati, 2004).

سوره نور با این ساختار منسجم نشان می‌دهد که سلامت اخلاقی جامعه، محصول یک سیستم یکپارچه است که در آن، پیشگیری، از طریق کنترل نگاه، ازدواج و آداب معاشرت، بر درمان، مجازات، اولویت دارد و مسئولیت به شکلی عادلانه و متقابل بین همه اعضای جامعه تقسیم شده است. این نگاه، جامع‌نگری و واقع‌بینی عمیق آموزه‌های قرآنی را نمایان می‌سازد.

یافته‌های تحقیق

بر اساس تحلیل محتوای سوره نور و در چارچوب مبانی نظری پیش‌گفته، یافته‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

قرآن برای زنان و مردان مسئولیت‌های اخلاقی مشابه قائل است

مهم‌ترین یافته این پژوهش، تأکید قرآن بر تساوی در تکلیف و مسئولیت‌پذیری اخلاقی است. سوره نور به‌وضوح نشان می‌دهد که خطاب اصلی دستورات اخلاقی، «ایمان» است نه جنسیت. فرمان‌های کلیدی مانند «غض بصر» و «حفظ فرج» در آیات ۳۰ و

۳۱، با ساختاری موازی و کاملاً متقارن، نخست به مردان و سپس به زنان امر شده‌اند (Qaraati, 2004). این تقارن در خطاب، بیانگر آن است که هسته مرکزی مسئولیت اخلاقی، کنترل نگاه و شهوت، بر عهده تمام افراد باایمان است (Makarem Shirazi, 1995). همچنین، قوانین جزایی مانند حد قذف، آیه ۴، برای مرد و زن یکسان است که نشان‌دهنده حمایت یکسان قانون از حریم اخلاقی و کرامت هر دو جنس است (Tusi, 2008). این نگاه، هرگونه قرائت یک‌جانبه و جنسیت‌زده که بار اصلی کنترل فضای اخلاقی را بر دوش یک گروه می‌گذارد، رد می‌کند (Javadi, 1999 Amoli).

راهکارهای قرآنی چندسطحی، فردی، خانوادگی، اجتماعی

قرآن کریم برای تأمین سلامت اخلاقی جامعه، یک الگوی جامع و چندلایه ارائه می‌دهد که تنها به سطح فردی محدود نمی‌شود:

- سطح فردی: تأکید بر خودمراقبتی، تقوای شخصی، کنترل نگاه و زبان (Kulayni, 1984).

- سطح خانوادگی: تأکید بر خانواده به‌عنوان واحد بنیادین جامعه؛ از طریق تشویق به ازدواج (Qaraati, 2004)، تقویت پیوندهای خانوادگی، و آموزش آداب معاشرت (Makarem Shirazi, 1995).

- سطح اجتماعی: وضع قوانین شفاف و عادلانه برای برخورد با جرایم، فرهنگ‌سازی برای رعایت حریم خصوصی، و تشویق جامعه به ایجاد محیطی که انجام معروف و ترک منکر در آن تسهیل شود (Tamimi Amadi, 1989). این لایه‌بندی نشان می‌دهد که موفقیت در این عرصه، نیازمند هماهنگی و اقدام هم‌زمان در تمامی این سطوح است.

تأکید بر پیشگیری به جای درمان

سوره نور رویکردی فعال و پیشگیرانه را در اولویت قرار می‌دهد. حجم قابل توجهی از دستورات این سوره، ناظر به اقدامات قبل از وقوع جرم یا انحراف است:

و مسئولیت‌پذیر برای جامعه فردا خواهد بود (Hashemi, 2000).

نظام اخلاقی ترسیم‌شده در سوره نور، نظامی پویا، عادلانه، مبتنی بر مسئولیت‌پذیری جمعی و با محوریت پیشگیری است. این نظام، زنان و مردان را نه در موضع مقصر یا قربانی، که در جایگاه شریکان هم‌تراز و مسئول در ساختن جامعه‌ای امن، باکرامت و پایدار قرار می‌دهد.

نقش زنان در سلامت اخلاقی جامعه، بر اساس سوره نور

بر خلاف خوانش‌های تقلیل‌گرایانه، سوره نور زنان را نه به‌عنوان موضوع منفعل یا عامل انحراف، که به‌عنوان کنشگران فعال و مؤثر در پاسداری از سلامت اخلاقی جامعه معرفی می‌کند. نقش آنان را می‌توان در چند محور کلیدی تحلیل نمود:

الگوسازی برای عفاف و حیا

زن مسلمان با التزام عملی به دستورات سوره نور، به‌ویژه در رعایت «حفظ فرج» و «غض بصر» (Qaraati, 2004)، در جامعه به یک الگوی زنده و مجسم از «عفت» تبدیل می‌شود. این عفت، که با پوشش مناسب تکمیل می‌گردد، صرفاً یک پوشش فیزیکی نیست، بلکه بیانگر یک هویت اخلاقی و یک مرزبندی کرامتمندانه است (Makarem Shirazi, 1995). این الگوسازی چند کارکرد دارد:

- خلق یک نماد اجتماعی: زن عقیف به‌عنوان نمادی از امنیت، وقار و احترام در فضای عمومی ظاهر می‌شود (Naraqi, 1993).
- تنظیم غیرکلامی رفتارها: این الگو به‌صورت غیرمستقیم، استانداردی برای رفتار متقابل را به جامعه یادآوری می‌کند و فضای تعاملات را به سمت رسمی‌تر و محترمانه‌تر شدن سوق می‌دهد (Javadi Amoli, 1999).
- توانمندسازی درونی: این انتخاب آگاهانه، از زن یک فاعل اخلاقی می‌سازد که با اراده خود در ساخت فضای جامعه مشارکت

• پیشگیری اولیه، همگانی: مانند دستور غض بصر و حجاب که همچون «دیوار آتشین» از وقوع بسیاری از زمینه‌های انحراف جلوگیری می‌کند (Naraqi, 1993).

• پیشگیری ثانویه، موقعیتی: مانند آداب استئذان (Qaraati, 2004) که موقعیت‌های سوءبرداشت یا قرار گرفتن در معرض وسوسه را کاهش می‌دهد (Laythi Wasiti, 1997).

• پیشگیری رشدی، مبنایی: مانند تأکید بر ازدواج که به نیازهای طبیعی، پاسخ مشروع و پایدار می‌دهد (Ibn Babawayh, 1992).

مجازات‌ها که جنبه درمانی و بازدارندگی دارند، در این سوره ذکر شده‌اند، اما جایگاه آن‌ها در واقع آخرین حلقه از یک زنجیره طولانی از تدابیر پیشگیرانه است. این تقدم منطقی، حکمت عمیق قانون‌گذاری الهی را نشان می‌دهد (Motahari, 1995).

اهمیت تربیت خانوادگی و محیط سالم

یافته دیگر، نقش محیط امن و آموزنده خانواده و فضای عمومی سالم به‌عنوان دو رکن اساسی در پرورش افراد بااخلاق است:

• سوره نور، خانواده را حریمی امن و محترم معرفی می‌کند که ورود به آن مشروط به رعایت آداب است، استئذان. این احترام، اعتماد و امنیت روانی را در درون خانواده تقویت می‌کند (Sadeghi Tehrani, 1998).

• آداب معاشرت عمومی مندرج در سوره در واقع در پی ایجاد یک «محیط زیست اخلاقی» سالم در جامعه است. چنین محیطی به‌صورت غیرمستقیم، از طریق الگوسازی، هنجارسازی و تسهیل عمل صالح، افراد را به سمت رفتار درست سوق می‌دهد (Bagheri, 2006).

• تأکید بر ازدواج، علاوه بر پاسخ به نیاز غریزی، در واقع تأسیس «مدرسه اولیه تربیت اخلاقی نسل آینده» است. خانواده‌ای که بر پایه تعهد و عفت شکل گیرد، اصلی‌ترین کارگاه تربیت افراد عقیف

می‌کند، نه اینکه صرفاً تابعی از قیدوبندها باشد (Group of, 2010).

نقش مادری در تربیت نسل اخلاق‌مدار

سوره نور با تأکید بر تقدس حریم خانواده (Qaraati, 2004)، کانون خانواده را به‌عنوان نخستین و مؤثرترین مدرسه اخلاق برمی‌شمارد. در این مدرسه، مادر به‌عنوان مهم‌ترین معلم و مراقب عمل می‌کند (Hashemi Rakavandi, 2000).

• تربیت غیرمستقیم: مادر با رعایت عفاف در خانه و در برابر فرزندان، اولین درس‌های «حیا» و «مرزبندی» را به‌طور عملی می‌آموزد (Tabarsi, 1991).

• ایمن‌سازی عاطفی: با ایجاد محیطی امن و آکنده از مهر، نیازهای عاطفی فرزند را به‌صورت سالم پاسخ می‌گوید و او را از جستجوی نامتعارف برای ارضای این نیازها در بیرون مصون می‌دارد (Motahari, 1995).

• انتقال ارزش‌ها: مادر می‌تواند مفاهیم سوره نور مانند اهمیت نگاه پاک، صداقت و حفظ آبرو را در قالب داستان و رفتار روزمره به نسل بعد منتقل کند. جامعه‌ای که از چنین خانواده‌هایی تشکیل شده باشد، در مقابل آسیب‌های اخلاقی مقاوم‌تر خواهد بود (Bagheri, 2006).

مشارکت در ایجاد فضای سالم اجتماعی

زن مسلمان تنها در حصار خانه مؤثر نیست، بلکه با حضور مؤدبانه و محترمانه در عرصه اجتماعی، مبتنی بر دستورات سوره نور، در سالم‌سازی آن فضا مشارکت می‌کند (Makarem Shirazi, 1995).

• کنترل غیررسمی اجتماعی: حضور زن عقیف در بازار، محل کار یا اجتماعات، خودبه‌خود یک کنترل اجتماعی غیررسمی ایجاد می‌کند و دیگران را به رعایت ادب و پرهیز از رفتار ناشایست تشویق می‌نماید (Naraqi, 1993).

• تسهیل تعاملات سازنده: هنگامی که حضور زن در جامعه با امنیت و احترام همراه باشد، زمینه برای مشارکت واقعی و سازنده او در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی فراهم می‌آید، بدون آنکه تمرکز بر جنسیت بر تخصص و شخصیت او سایه اندازد (Javadi Amoli, 1999).

• نقش در امر به معروف و نهی از منکر: زنان نیز همانند مردان، مطابق توان و شرایط خویش، می‌توانند در چارچوب این فریضه با روش‌های حکیمانه و مؤثر در اصلاح محیط اطراف خود بکوشند (Majlisi, 1983).

همسری آگاه و مسئولیت‌پذیر

سوره نور با بیان قوانین «لیان» (Qaraati, 2004)، به‌طور غیرمستقیم بر اهمیت رابطه مبتنی بر اعتماد، امنیت و عدالت بین زن و شوهر تأکید می‌کند (Tusi, 2008). زن به‌عنوان یک همسر آگاه:

• عاملی برای استحکام خانواده: با وفاداری، محبت و تدبیر امور خانه، به تحکیم پایه‌های خانواده کمک می‌کند. خانواده مستحکم، به‌عنوان اصلی‌ترین دژ پیشگیری از انحرافات اجتماعی عمل می‌نماید (Ibn Babawayh, 1992).

• هم‌یار اخلاقی شوهر: زن می‌تواند با رعایت عفاف در برابر شوهر و ایجاد محیطی آرام در خانه، همسر خود را در مسیر تقوا و مسئولیت‌پذیری یاری رساند (Tamimi Amadi, 1989).

• شریک در تصمیم‌گیری اخلاقی: آگاهی از احکام و اخلاق اسلامی به زن این امکان را می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سبک زندگی خانوادگی، تربیت فرزندان و روابط اجتماعی، شریکی فعال و آگاه باشد (Heydari Naraghi, 2007).

سوره نور با شناسایی این نقش‌های کلیدی، جایگاه زنان را به‌عنوان «سازندگان فعال محیط اخلاقی» ارتقا می‌دهد. ایشان نه‌تنها مسئول رفتار خود هستند، بلکه از طریق تأثیرگذاری در خانواده و جامعه، تسهیل‌گران و الگوهای تحقق فضیلت به شمار می‌آیند.

راهکارهای خانوادگی: ایجاد کانون امن و تربیتی

خانواده واحد بنیادین جامعه است و سوره نور آن را محور اصلی پیشگیری و تربیت می‌داند.

• ازدواج آسان و به‌موقع: این یک راهکار ساختاری و اساسی است که با پاسخگویی مشروع و سالم به نیاز غریزی، بزرگ‌ترین عامل محرک به سمت انحراف را مهار می‌کند (Qaraati, 2004).

• تربیت دینی و انتقال ارزش‌ها: آیات مربوط به استئذان، درخواست اجازه ورود، که خطاب به کودکان است، نمونه‌ای عملی از تربیت مبتنی بر احترام به حریم خصوصی و عفت را نشان می‌دهد (Qaraati, 2004).

• نظارت والدین و ایجاد محیط امن درون‌خانوادگی: دستور به استئذان حتی از خدمتکاران و کودکان قبل از ورود به حریم خصوصی والدین، نشان‌دهنده اهمیت قداست حریم درونی خانواده است (Ibn Babawayh, 1992).

۷-۳ راهکارهای اجتماعی: بسترسازی عمومی و قانونی

این راهکارها برای ایجاد یک «محیط زیست اخلاقی» سالم در گستره جامعه طراحی شده‌اند.

• امر به معروف و نهی از منکر، کنترل اجتماعی فعال: روح مسئولیت جمعی در قبال انحرافات در کل سوره جاری است (Shubbar, 1999).

• قوانین عادلانه و بازدارنده: سوره نور قوانین شفاف را برای برخورد با جرایم اخلاقی وضع می‌کند:

o حد زنا: به‌عنوان یک بازدارنده قوی (Qaraati, 2004).

o حد قذف: برای دفاع از حریم خصوصی و آبروی افراد (Qaraati, 2004).

o قوانین لیان، سوگندهای توافقی: برای حل منصفانه تعارضات درون‌خانوادگی (Tusi, 2008).

(Bagheri, 2006). این نگاه، همسو با مفهوم مسئولیت مشترک

است و زن را در مرکز شبکه گسترده‌ای قرار می‌دهد که سلامت اخلاقی کل جامعه به عملکرد صحیح آن وابسته است.

راهکارهای قرآنی برای مقابله با انحرافات اخلاقی، بر اساس سوره نور

سوره نور با ارائه‌ای نظام‌مند، راهکارهایی را در سه سطح به‌هم‌پیوسته ارائه می‌دهد که در صورت اجرای هماهنگ، جامعه را در برابر انحرافات اخلاقی بیمه می‌کند. این راهکارها نه تنبیه‌محور، که پیشگیرانه، تربیتی و اصلاحی هستند.

راهکارهای فردی: بنیان‌سازی شخصیت اخلاقی

این سطح، زیربنای تمام سطوح دیگر است و بر خودآگاهی، خودمراقبتی و تقوای شخصی تأکید دارد.

• تهذیب نفس، تزکیه: روح حاکم بر تمام دستورات سوره، در جهت پالایش درون و تقویت ملکه «تقوا» است (Makarem Shirazi, 1995).

• کنترل نگاه، غض بصر: این فرمان متقابل به مردان و زنان، اولین و مؤثرترین سد دفاعی در برابر تحریکات محیطی معرفی شده است (Qaraati, 2004).

• حفظ زبان، کنترل گفتار: سوره نور به‌صورت مشخص به چندین مصداق اشاره می‌کند:

o پرهیز از قذف و تهمت: با ذکر مجازات سنگین برای آن، اهمیت حفظ آبروی دیگران را نشان می‌دهد (Qaraati, 2004).

o پرهیز از شایعه‌پراکنی و پذیرش بدون تحقیق: دستور می‌دهد هنگام شنیدن خبر ناپسند، ابتدا در مورد آن به‌خوبی بیندیشید (Qaraati, 2004).

o پرهیز از به زبان آوردن گناه: مؤمنان را از افشا و بازگو کردن گناهان نهی می‌کند (Qaraati, 2004).

• فرهنگ‌سازی برای رعایت حریم خصوصی و آداب معاشرت: دستور به استئذان برای ورود به خانه‌های دیگران، یک هنجار اجتماعی قدرتمند می‌آفریند (Qaraati, 2004).

این سه سطح به صورت هرمی و در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند. اجرای تک‌بعدی این راهکارها نتیجه مطلوب نخواهد داشت؛ موفقیت در گرو برنامه‌ریزی هماهنگ و پیگیری مستمر در هر سه عرصه است (Motahari, 1995).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تحلیل محتوای سوره نور و با روشی توصیفی-تحلیلی، در پی تبیین دیدگاه قرآن کریم درباره سلامت اخلاقی جامعه و راهکارهای حفظ آن بود. یافته‌های تحقیق مؤید آن است که سوره نور رویکردی متوازن، نظام‌مند و پیشگیرانه را ارائه می‌دهد که از هرگونه یک‌سونگری و تحمیل مسئولیت به یک گروه خاص اجتناب می‌ورزد.

تساوی در تکلیف و مسئولیت: قرآن کریم با خطاب‌های موازی به مردان و زنان مؤمن، آیات ۳۱-۳۰، اصل مسئولیت‌پذیری مشترک را در حفاظت از حریم اخلاقی فرد و جامعه بنیان نهاده است. قوانین عادلانه‌ای مانند حد قذف، آیه ۴، نیز بر حمایت یکسان از کرامت اخلاقی هر دو جنس دلالت دارد.

الگوی چندسطحی مداخله: راهکارهای قرآنی در سه سطح به هم پیوسته طراحی شده‌اند: فردی، تهذیب نفس، کنترل نگاه و زبان، خانوادگی، ترویج ازدواج آسان، تربیت دینی و نظارت حکیمانه، و اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، قوانین عادلانه و فرهنگ‌سازی برای احترام به حریم خصوصی. این سطوح، یک شبکه حمایتی جامع برای پیشگیری از انحرافات ایجاد می‌کند.

اولویت پیشگیری بر درمان: حجم عمده دستورات سوره نور ناظر به مدیریت زمینه‌ها و حذف عوامل خطر است. راهکارهایی مانند structure of individual identity, family stability, social modesty, and public ethical security. Within this context, the Qur'anic view of moral health cannot be reduced to a set of

غض بصر، تسهیل ازدواج و رعایت آداب معاشرت، همگی در جهت ایمن‌سازی فضای اجتماعی و کاهش امکان وقوع جرم یا انحراف عمل می‌کنند. قوانین کیفری، اگرچه جدی و بازدارنده هستند، اما به عنوان آخرین حلقه این زنجیره در نظر گرفته شده‌اند. نقش سازنده و محوری زنان: تحلیل سوره نور نشان می‌دهد زنان نه موضوع منفعل، که کنشگران فعال و مؤثر در پاسداری از سلامت اخلاقی جامعه هستند. ایشان از طریق الگوسازی عملی عفت، ایفای نقش تربیتی بی‌بدیل در خانواده، مشارکت در ایجاد فضای اجتماعی محترم و مسئولیت‌پذیری در کانون خانواده، سهمی تعیین‌کننده در این فرآیند دارند.

سوره نور با ترسیم «نظام اخلاق اجتماعی» منسجم، نشان می‌دهد که سلامت اخلاقی یک مؤلفه جمعی و حاصل تعامل مسئولانه تمام ارکان جامعه است. در این نظام، زن و مرد به عنوان شرکایی هم‌تراز، هم در مسئولیت و هم در پاداش اخروی، در قبال یکدیگر و در برابر جامعه مسئول هستند. موفقیت در مقابله با انحرافات اخلاقی، منوط به خروج از نگاه‌های تک‌عاملی و اتخاذ راهبرد جامع، بلندمدت و تربیتی است که در آن، پرورش انسان‌های باتقوا و ایجاد محیط‌های سالم، خانوادگی و اجتماعی، در کانون توجه قرار گیرد. این پژوهش، الگوی استخراج‌شده از سوره نور را می‌تواند به عنوان چارچوبی برای سیاست‌گذاری فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در جوامع اسلامی، و نیز پاسخی مستدل به شبهات معاصر درباره نگاه اسلام به زن، اخلاق و جامعه ارائه دهد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Contemporary societies are increasingly exposed to complex moral, cultural, and communicative transformations that affect the

isolated prohibitions or punitive rules; rather, it represents an integrated ethical system in which personal discipline, family education, social responsibility, and legal justice function together. Surah An-Nur is one of the most explicit Qur'anic chapters in this regard, because it presents a coherent framework for regulating public morality, protecting human dignity, preserving chastity, preventing slander, strengthening family boundaries, and establishing ethical relations between men and women. Classical and contemporary exegetical works have emphasized that this surah does not place moral responsibility on one gender alone, but distributes it across all believing individuals and social institutions (Makarem Shirazi, 1995; Qaraati, 2004; Tabarsi, 1993). From this perspective, moral deviation is not merely an individual failure; it is a social disorder that emerges when self-control, modesty, family supervision, public responsibility, and legal protection are weakened simultaneously. Therefore, the present study aimed to explain the Qur'anic model of moral health in Surah An-Nur, with particular attention to the role of women, the principle of shared responsibility, and Qur'anic strategies for confronting moral deviations.

The study employed a qualitative content analysis method based on thematic exegesis. Surah An-Nur was examined as the main textual source, and its verses were analyzed in relation to major themes such as chastity, modesty, gaze control, protection of private space, marriage, accusation, slander, family discipline, and social reform. The theoretical basis of the study was formed through Islamic ethical and exegetical sources that define ethics as a comprehensive system rooted in faith, piety, self-purification, and social obligation (Khomeini, 1999; Naraqi, 1993; Shubbar, 1999). The analysis focused on identifying the internal logic of the surah rather than extracting isolated rulings.

Accordingly, the verses were interpreted as parts of a connected moral architecture in which preventive, educational, familial, legal, and social mechanisms reinforce one another. The study also drew upon Islamic discussions of women's dignity, social role, and moral agency, especially those that reject both passive and reductionist interpretations of women's position in Islamic ethics (Hashemi Rakavandi, 2000; Javadi Amoli, 1999; Nasirzadeh, 2010). This methodological approach made it possible to show that Surah An-Nur presents women not as the exclusive source of moral danger, but as active participants in the construction of a morally secure society.

The findings show that the first and most important principle in Surah An-Nur is the principle of shared moral responsibility between men and women. The commands regarding lowering the gaze and guarding chastity are addressed to believing men and believing women in parallel form, which indicates that the Qur'an considers moral self-regulation a duty of both genders (Makarem Shirazi, 1995; Qaraati, 2004). This parallel structure challenges interpretations that place the burden of moral control only on women. Men are first commanded to regulate their gaze and guard their chastity, and women are then addressed with the same ethical core, while additional instructions concerning modest covering are presented in relation to social visibility and protection of dignity. The same balanced logic is visible in the legal treatment of false accusation, where the honor of chaste individuals is protected through strict rules against slander and qadhf (Tabarsi, 1993; Tusi, 2008). Therefore, the Qur'anic framework is not based on gendered blame, but on ethical reciprocity. Both men and women are responsible for self-restraint, protection of dignity, and contribution to a respectful public environment. This finding is consistent with Islamic ethical sources that

define moral excellence as a human responsibility rather than a gender-exclusive obligation (Laythi Wasiti, 1997; Tamimi Amadi, 1989).

The second major finding concerns the multi-level structure of Qur'anic strategies for confronting moral deviations. Surah An-Nur does not rely solely on punishment; rather, it gives priority to prevention, moral education, family formation, and social discipline. At the individual level, it emphasizes self-purification, gaze control, chastity, control of speech, and avoidance of rumor and accusation. At the family level, it encourages marriage, protects the privacy of the household, and teaches etiquette of permission and internal boundaries. At the social level, it establishes public norms of privacy, mutual respect, legal accountability, and collective responsibility (Bagheri, 2006; Ibn Babawayh, 1992; Kulayni, 1984). This layered structure shows that moral health cannot be achieved through isolated personal advice or coercive legal measures alone. Instead, the Qur'an constructs a preventive system in which individuals are educated, families are protected, society is morally organized, and the law intervenes when fundamental boundaries are violated. This preventive orientation reflects the rational and educational character of Islamic ethics, which seeks to remove the causes of deviation before they become entrenched social harms (Khosroshahi, 2010; Mahdizadeh, 2002; Motahari, 1995). Thus, punishment appears as the final stage of moral regulation, not its primary foundation.

The third finding relates specifically to the role of women in the moral health of society. Surah An-Nur presents women as morally responsible agents who contribute to the ethical quality of both family and society. Their role appears in several interrelated dimensions. First, through modesty, chastity,

and dignified social presence, women may become practical models of moral identity and social self-respect (Javadi Amoli, 1999; Nasirzadeh, 2010). Second, through motherhood and family education, women play a central role in transmitting values such as modesty, respect for privacy, truthful speech, and self-control to the next generation (Bagheri, 2006; Hashemi Rakavandi, 2000). Third, women contribute to the purification of social space by participating in society in a manner that preserves dignity and prevents the reduction of human interaction to sexual attraction or visual consumption. Fourth, as wives and family members, women participate in the moral stability of the household and help maintain trust, loyalty, and mutual accountability. However, the study also shows that this role should not be misunderstood as transferring the entire burden of moral protection to women. Rather, women's role is one part of a broader network of shared responsibility that also includes men, families, educational institutions, religious culture, public policy, and law (Group of, 2010; Heydari Naraghi, 2007).

In conclusion, the extended analysis of Surah An-Nur demonstrates that the Qur'anic model of moral health is balanced, preventive, collective, and justice-oriented. It does not construct women as passive objects or as the sole source of moral deviation, nor does it absolve men or society from responsibility. Instead, it presents an integrated system in which men and women are equally accountable before God and society, while family, law, education, and public culture all participate in protecting moral security. The surah gives priority to prevention over punishment by emphasizing gaze control, chastity, marriage, privacy, proper social etiquette, and protection of reputation. It also assigns women a constructive and central role in ethical modeling, family education, and the formation of a dignified public sphere.

Therefore, the Qur'anic approach offers a comprehensive framework for cultural policymaking, moral education, family strengthening, and response to contemporary misconceptions about Islam, women, and social ethics.

References

- Bagheri, K. (2006). *A Reconsideration of Islamic Education* (1st ed.). Madreseh.
- Becker, L. (1999). *A History of Western Ethics* (1st ed.). Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Group of, A. (2010). *Bibliography of Islamic Ethics* (3rd ed.). Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Hashemi Rakavandi, M. (2000). *An Introduction to the Psychology of Women with a Scientific and Islamic Approach* (3rd ed.). Shafaq.
- Heydari Naraghi, A. M. (2007). *The Treatise of Rights of Imam Sajjad* (7th ed.). Mahdi Naraghi.
- Ibn Babawayh, M. i. A. (1992). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (2nd ed.). Islamic Publications Office Affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Javadi Amoli, A. (1999). *Woman in the Mirror of Majesty and Beauty* (1st ed.). Dar al-Mahdi.
- Khomeini, R. (1999). *Forty Hadith* (20th ed.). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khosroshahi, G. (2010). A Criminological View of the Phenomenon of Improper Hijab. In *Hijab: Responsibilities and Authorities of the Islamic State: Jurisprudential and Legal Articles* (pp. 525). Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Kulayni, A. J. M. i. Y. (1984). *Al-Usul min al-Kafi* (5th ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Laythi Wasiti, A. i. M. (1997). *Uyun al-Hikam wa al-Mawaiz* (1st ed.). Dar al-Hadith.
- Mahdizadeh, H. (2002). *Hijab Studies* (1st ed.). Management Center of Qom Seminary.
- Majlisi, M. B. (1983). *Mirat al-Uqul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul* (2nd ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh* (1st ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Motahari, M. (1995). *Introduction to the Quran*. Sadra.
- Naraqi, M. M. (1993). *Jami al-Saadat* (3rd ed.). Hekmat.
- Nasirzadeh, Q. (2010). *Woman, Insight, Hijab* (1st ed.). Al-Haram.
- Qaraati, M. (2004). *Tafsir Noor* (11th ed.). Cultural Center for Lessons from the Quran.
- Sadeghi Tehrani, M. (1998). *Al-Balagh fi Tafsir al-Quran bil-Quran* (1st ed.). Maktabat Mohammad al-Sadeghi al-Tehrani.

- Shubbar, S. A. (1999). *Kitab al-Akhlaq* (3rd ed.). Hejrat.
- Tabarsi, F. i. H. (1993). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (3rd ed.). Naser Khosrow.
- Tabarsi, H. i. F. (1991). *Makarim al-Akhlaq* (4th ed.). Al-Sharif al-Radi.
- Tamimi Amadi, A. a.-W. i. M. (1989). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (2nd ed.). Dar al-Kitab al-Islami.
- Tusi, A. J. M. i. H. (2008). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (3rd ed.). Al-Maktabah al-Murtazawiyyah li-Ihya al-Athar al-Jafariyyah.